

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيَهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

ضرورت کار در ایام فاطمیه

مقدمه

اگر بخواهیم هر برنامه ای در جهان موفقیتی داشته باشد، موفقیت آن منوط به نحوه اطلاع رسانی است. اگر اطلاع رسانی خوب نباشد، خیلی از وقایع بزرگ از نظرها مخفی می ماند. به عنوان مثال دوستی در این زمینه تحقیقاتی کرده و موضوع بررسی بر روی اتفاقات و جنایاتی است که در سال های اخیر اتفاق افتاده است.

در بوسنی و هرزگوین، طی دو سال و نیم صد هزار نفر کشته شدند و به طبع همه آن را محکوم می کردند و به آن توجه داشتند. در اشغال عراق در طی چهار سال، صد هزار نفر کشته شدند. در یازده سپتامبر که آن همه صدا کرد و تبلیغات شد و... فقط سه هزار نفر کشته شدند ولی با آن تبلیغات وسیع چقدر در جهان تأثیر گذاشت که همه تقریباً خبردار شدند که چه اتفاقی افتاده است. در جریان سونامی ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند. در جریان هیروشیما و ناگازاکی که در جهان خیلی صدا کرد و همه فهمیدند و محکوم کردند، ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند. در جنگ تحمیلی ایران و عراق، دویست و سیزده هزار نفر کشته و سیصد و سی و پنج هزار نفر معلول شدند. در اشغال افغانستان پنج الی ده هزار نفر کشته شدند. در زلزله بم پنجاه هزار نفر کشته شدند. این ها را در نظر بگیرید. حال اصلاً کسی خبر داره در رواندا بین دو قبیله جنگی می شود، حدس می زنی چند نفر در این جنگ بین قبیله ای کشته شدند؟

در طی ۹۰ روز یعنی سه ماه، نهمصد هزار نفر کشته می شوند. چرا ما از این اتفاق اصلاً خبری نداریم؟ علت این بی خبری چیست؟ چون تبلیغاتی درباره اش صورت نگرفته است. عرض کردم چون منافع گروهی در آنجا در خطر نبوده، مثلاً در بوسنی هرزگوین مسلمانان کشته شدند، مسلمانان همه شعار دادند و اعتراض کردند یا مثلاً در یازده سپتامبر منافع آمریکا در خطر بوده، برای آن تبلیغ کرده است. به هر حال اگر جایی تبلیغات نشود، هر چقدر هم که آن قصه و اتفاق وسیع باشد، اتفاق فراموش می شود و کسی نمی فهمد و اگر یک تعداد محدود و معدودی هم بفهمند، به مرور فراموش خواهد شد.

اصل بحث این است که اگر در ایام فاطمیه در مسائل اسلامی کار نکنیم، اگر بر ایام شهادت فاطمه زهرا علیها السلام تأکید نکنیم، فراموش می شود.

وقتی سایت های وهابیت را بررسی می کنیم، می بینیم وهابیت چه هجمه ای در جریان فاطمیه بر بدنه اعتقادی شیعه وارد می کند و بعد ببینیم وظیفه ما در مقابل آن چیست؟

انواع شبهات را در گروه ها و در سایت و شبکه های ماهواره ای پخش می کنند. برای مثال یک سایت وهابی، عکسی از تقویم سال ۱۳۷۱ منتشر کرده است که در آن نه شنبه ۳ جمادی و الثانی و نه ۷ آذر در مورد شهادت مطلبی در آن نوشته نشده و هنوز اثری از شهادت یا وفات نیست. بعد می روند در سال ۱۳۷۷ و باز از تقویم عکس گرفته که نوشته شهادت فاطمه زهرا علیها السلام بنا به قولی. باز این جا به مسخره گفته و نوشته که به قولی شهید شده اما هنوز قطعی و رسمی نیست و در ۱۳۷۹ باز عکس از تقویمی گرفته که سوم جمادی الثانی را تعطیل اعلام کردند و نوشتند شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، تعطیل. بعد به مسخره در کنارش نوشته شهید شد و تعطیل گشت، خداوند به شهادت رسانندگان او را عقل و فهم عطا بفرماید؛ آمین.

این سه عکس را کنار هم گذاشتند، بعد نتیجه گیری می کند که:

اولاً) شهادتی وجود ندارد.

ثانیا) کسانی که دم از شهادت می زنند، عقل درستی ندارند.

وقتی این گونه کار می کنند، قطعاً در ذهن کسی که اطلاع کافی ندارد، تأثیر می گذارد. حالا ما چه کاری باید انجام دهیم؟ با این حمله تبلیغاتی شدیدی که از یکی دو ماه، مانده به فاطمیه در گروه ها شروع می شود و حتی با ظاهر خیلی منطقی شبهات را مطرح می کنند و بعد شبکه هایی که خیلی با بی ادبی و توهین این کار را پیش می برند.

وظیفه ما در قبال شیطنتهایی که دشمنان شیعه در ایام فاطمیه می کنند، چیست؟

مثال وجدانی و فطری:

شما فرض کنید در همسایگی شما، خانمی زندگی می کرد که او را می شناختید. حالا شما مسافرت رفتید. برادرتان به شما زنگ می زند و می گوید خانمی که همسایه شما بود، دیروز پدرش فوت کرده؛ این خانم نشسته زار زار گریه می کند. وقتی این خبر به شما می رسد، خیلی متأسف می شوید و می گوید خدا به این خانم صبر بدهد. کاش شماره تماس داشتیم، تسلیت می گفتیم. معمولاً اگر آشنا باشد این کار را می کنیم، سر سلامتی می دهیم و آرزوی بقای عمر آن ها را می کنیم. این مرحله اول؛ برادرتان مجدد تماس می گیرد که خبر رسیده که نه تنها دیروز پدرش فوت کرده، بلکه رفته اند و اموال همسر ایشان را برداشته اند، ماشین ایشان را هم دزدیدند. حالا شما خیلی بیشتر ناراحت می شوید و دلتان برای این خانم می سوزد و می گوید ای بابا، چقدر به این شخص مصیبت وارد شده! اگر از دستتان بریاید، دوست دارید کمک مالی هم به او بکنید که مصیبت عزای پدر را دیده، حالا وسایلشان را هم به سرقت و تاراج بردند و طبیعتاً خیلی بیشتر ناراحت می شوید و انگیزه بالاتری برای کمک پیدا می کنید. باز دو، سه روز بعد برادرتان تماس می گیرد و می گوید که نه تنها مال و اموالش را بردند؛ بلکه آن خانم را به شدت کتک زدند و بچه اش را هم زیر دست و پا لگد کردند و از بین رفته است... این جا شما می خواهید منفجر شوید و هرکاری از دستتان بر می آید، انجام می دهید.

این، وجدان همه ماست. هرکدام از ما چنین خبری بشنویم، خیلی غصه دار می شویم و انسان دلش می خواهد هر کمکی می تواند انجام دهد تا یک مقدار از این غصه ها و آلام و دردها کم شود.

برگردیم به جریان شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ایشان از یک طرف غصه شهادت پدر را داشتند که یک پدر شصت و سه ساله، اصلاً زمان از دنیا رفتنش نیست و ایشان قطعاً نابهنگام شهید شدند. این خود بزرگترین غصه برای ایشان است. بلافاصله بعد از این غصه، خلافت همسر غصب می شود. خلافتی که باعث ترویج اسلام شده و کارها و سختی های پدر را طی ۲۳ سال به نتیجه می رساند و در کل زمین، بنا به فرمایش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که اگر خلافت غصب نمی شد، (مضمونش را عرض می کنم) در کل زمین، دو نفر هم در توحید اختلاف پیدا نمی کردند. یعنی این غصب خلافت باعث شد که تمام شرک ها، بت پرستی ها و گناه ها در روی زمین اتفاق بیافتد. این باعث غصه بیشتر ایشان می شود. این غصه ها باعث گریه های زیاد ایشان شد. گریه وی آنقدر زیاد بود که مردم اهل مدینه که البته در اصل دشمن بودند، دیدند کار دارد خیلی بالا می گیرد. این گریه های حضرت زهرا علیها السلام باعث افشای جنایت آنها می شود. به این ترتیب شد که گروهی را فرستادند و به حضرت علی علیه السلام عرض کردند که آقا سلام ما را به حضرت زهرا علیها السلام برسان و بگو که یا شب گریه کند و روز آرام بگیرد و یا روز گریه کند و شب آرام بگیرد. این طور حضرت زهرا علیها السلام می سوختند و گریه می کردند. آن هم چه گریه ای! جالب است که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت می فرمایند: «سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برگزید، به خاطر گریه تو ای زهرا! عرش خداوند و فرشتگانی که اطراف او هستند و آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست، گریه خواهند کرد.»

پس این گریه ساده ای نبوده، گریه ای عمیق و پر درد که ظاهراً تا قبل از قصه هجوم ادامه داشته است. وقتی که هجوم آوردند و آن جنایت ها رخ داد، ظاهراً و قاعدتاً آن گریه به آن شکل صدادار حذف شد، چون دیگر حضرت نای گریه نداشتند. ان شاءالله که برای هیچ کس پیش نیاید، آیا با کسی برخورد کرده اید که دنده هایش شکسته است؟ حتماً از او بپرسید که حالت چطور است؟ نمی تواند حتی یک سرفه و عطسه کند. یک نفس بلند نمی تواند بکشد. تکان می خورد، فریادش به آسمان بلند می شود. حال یک خانمی که آن مصیبت های بزرگ را کشیده است، حال به او حمله می کنند، دنده اش را می شکنند، بچه اش را سقط می کنند، به گردن شوهرش طناب می اندازند و به مسجد می برند!

تمام این مصیبت ها را وقتی که ما می شنویم، حتی اگر شیعه نباشیم و فقط یک انسان باشیم، کافی است برای اینکه دل ما را آن قدر به درد بیاورد که کاری برای احقاق حق این اهل بیت علیهم السلام انجام دهیم. یعنی دیگر کسی با این همه جنایات نمی تواند ساکت بنشیند. می گوید من هرکاری که از دستم بریاید، باید انجام دهم برای این که این مادر مهربان را نصرت کنم. حدیث بسیار مفصلی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حضرت زهرا علیها السلام وارد می شوند. می بینند که حضرت خیلی ناراحت هستند. از ایشان می پرسند که چرا ناراحت هستید؟ عرض می کنند که پدرجان! من یاد قیامت کردم و یاد این افتادم که مردم عریان محشور می شوند. این امر مرا بسیار متأثر و ناراحت کرد. حدیث مفصل است. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: من اولین کسی هستم که از قبر بیرون می آید. سپس پدرم ابراهیم علیه السلام، سپس برادرم و شوهرت

علی علیه السلام است. سپس جبرئیل به همراه این افراد (خیلی مفصل است) با قبه هایی از نور می آیند و تو را هیچکس نمی بیند. قسمت های دیگرش مقصود من نیست و مقصود این قسمت است که وقتی قیامت بر پا می شود، حضرت زهرا علیها السلام می آیند،

...فَإِذَا صُرَّتْ فِي أَعْلَى الْمَنبَرِ أَنْتَا كِ جَبْرِيْلُ علیه السلام فَيَقُولُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ علیها السلام سَلِي حَاجَتِكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ سَيَعْنِي فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ! فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ سَيَعْنِي فَيَقُولُ اللَّهُ انْطَلِقِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِكَ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ! فَعِنْدَ ذَلِكَ يَوْدُ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيَّيْنَ. فَتَسِيرِينَ وَ مَعَكَ سَيَعْنِكَ وَ سَيَعْنَهُ وَ لَدِكِ وَ سَيَعْنَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام آمِنَهُ رَوْعَاتِهِمْ مَسْتُورَةً عَوْرَاتِهِمْ قَدْ ذَهَبَتْ عَنْهُمْ الشَّدَائِدُ وَ سَهَلَتْ لَهُمُ الْمَوَارِدُ يَخَافُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَخَافُونَ وَ يَطْمَأ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَطْمَأُنُونَ (تفسیر فوات، ص ۴۴۵ و ۴۴۶)

جبرئیل به حضرت زهرا علیها السلام عرض می کند: زهرا جان؛ اگر حاجتی داری بخواه. این که من عرض کردم مادری مهربان، حضرت در آن قیامت با آن وضعی که هست، یعنی «یوم الفزع الکبر» روز ترس بزرگ که «یوم یفر المراء من اخیه» برادر از برادر، پدر از پسر فرار می کنند از ترس حسابرسی، در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: زهرا جان؛ در آن موقع سراغ شیعیان را می گیری و می گویی خدایا شیعیانم چه شدند؟ خداوند می فرماید: «**قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ**» همه را بخشیدم. پس تو می پرسی: خدایا شیعیان فرزندانم؟ خداوند می فرماید همه را بخشیدم. تو به خداوند عرض می کنی: دوستان شیعیانم، خداوند نهایت لطف را نشان می دهد و به حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: زهرا جان بلند شو و در صحرای قیامت راه برو. در صحرای محشر و هرکس که دست به دامن تو شد، با تو در بهشت است. در این موقع است که تمام کسانی که در محشر هستند، آرزو می کنند که ای کاش ما هم فاطمی بودیم. ای کاش ما هم یک ربطی و یک رابطه ای با زهرا علیها السلام داشتیم که الان می توانستیم نجات پیدا کنیم. حال ما چکار کنیم که دستمان به چادر حضرت زهرا علیها السلام برسد و آیا همه خیلی زود همان اول دستشان به چادر حضرت زهرا علیها السلام می رسد و می توانند فاطمی و معتصم به ایشان شوند؟ عرض می کنم!

مردی به همسرش می گوید که به خدمت حضرت زهرا علیها السلام برو و از ایشان بپرس که آیا من شیعه شما هستم یا نیستم. آن خانم خدمت حضرت می آید.

حضرت زهرا علیها السلام به او می فرماید: به شوهرت اینگونه بگو:

«إِنْ كُنْتُ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَانْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَالْآلَا»

حضرت در پاسخ عبارت فوق را بیان فرمودند. آن شخص بعد از شنیدن پاسخ، مضطرب شد و با توجه به ضعف های خود گفت: وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود. همسرش نگرانی و زاری او را با سخنان مطرح شده، خدمت فاطمه علیها السلام بازگو کرد. حضرت فرمودند:

ليس هكذا شيعتنا من خيار اهل الجنة، و كل محبينا و موالی اولیائنا و معادی اعدائنا، و المسلم بقلبه و لسانه لنا ليسوا من شيعتنا اذا خالفوا اوامرنا و نواهينا في سائر الموبقات، و هم مع ذلك في الجنة ولكن بعد ما يطهرون من ذنوبهم بالبلايا و الرزایا او في عرصات القيامة بانواع شدائدها او في الطبقات الاعلی من جهنم بعدا بها الی ان نستنفذهم بحبنا و ننقلهم اء لی حضرتنا (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۶ و تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۲۱)

از من به همسرت بگو: چنین نیست که او فکر می کند. بلکه شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشت هستند و همه دوستان ما و دوستان ما و دشمنان دشمنان ما، همگی در بهشت وارد می شوند. آری کسی که با قلب و زبان، تسلیم ما اهل بیت علیهم السلام شده اما از اوامر ما سرپیچی کند و نواهی ما را محترم نشمارد، از شیعیان واقعی ما نخواهد بود. گرچه این گروه نیز پس از پاک شدن از گناهان و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن مدت کوتاهی در طبقات بالای دوزخ و چشیدن عذاب، بالاخره به بهشت خواهند رفت. به خاطر دوستی شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد.

این طور نیست که هر کدام ما، دور از جان شما، بنده تا سرم را زمین گذاشتم، بگویند که بهشت در اختیار شما است و بفرمایید داخل شوید، نه! بعد از آن که از گناهانشان پاک شدند، یک سری بلاها در دنیا ایجاد می شود که باید به وسیله آن پاک شویم.

روز قیامت پنجاه هزار سال است. این پنجاه هزار سال ما کی این توفیق را پیدا می کنیم که دستمان به چادر حضرت زهرا علیها السلام برسد و اعتصام به ایشان پیدا کنیم؟ همان لحظه اول که سر از قبر بیرون آوردیم؟ معلوم نیست. باید در اعمال و افعال خودمان تجدید نظر کنیم. باید کاری کنیم که در معرض این باشیم که همان لحظه اول دستمان را حضرت زهرا علیها السلام بگیرند و اگر با خوش خیالی گذرانده ایم، نه، ده، صد، هزار، بیست هزار سال، واویلا! حضرت می فرمایند: وقتی به انواع بلایا و رزایا در دنیا، وقتی در قیامت «**اینجا تکان**» دهنده است **«أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ»** آن طبقات بالای جهنم، پاک که شد **«بَعْدَ أَيَّهَا»** آن زمان آنها را نجات می دهیم **«إِلَى أَنْ نَسْتَفِذَهُمْ بِحُبِّنَا»** ما به خاطر محبتشان آنها را نجات می دهیم. بنابراین باید کاری جدی کنیم. آن جنبه های عاطفی که عرض کردم که همین که می شنویم که یک جنایتی شده، باید بدویم برای احقاق حق حضرت زهرا علیها السلام کاری کنیم. سعادت خود ما در این است. ما هستیم که نیازمند نصرت کردن به حضرت زهرا علیها السلام هستیم. برای این که در روز قیامت زود به شفاعتشان برسیم ان شاءالله که بعضی ها بعد از پنجاه هزار سال عذاب کشیدن در روز قیامت و خدا نعوذ بالله، بعضی ها بعد از رفتن در طبقات بالای جهنم تازه به آن ها شفاعت خواهد رسید.

بنابراین حتماً باید حضرت زهرا علیها السلام را نصرت کنیم و ارتباط خود را با حضرت زهرا علیها السلام قوی تر کنیم. در همان حدیث که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشریف می برند و حضرت زهرا علیها السلام را می بینند که ناراحت هستند، دل حضرت زهرا علیها السلام شور می زند و چون از مادر مهربانتر است، در بعضی احادیث از حضرت با نام «**أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ**» یاد شده یعنی مادر مؤمنین. این که تصریح داریم بر اساس فرمایش حضرت رضای علیه السلام که **الإمام الوالد السَّفِيحُ** بنابراین با واسطه اهل بیت علیهم السلام که پدران ما هستند، حضرت زهرا علیها السلام هم مادر ما هستند و یک نکته ظریف دیگر این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **فَاطِمَةُ أُمُّ أَيَّهَا**، فاطمه علیها السلام، مادر پدر خود است و چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدر ما هستند که فرمودند: من و علی علیه السلام پدران این امت هستیم. بنابراین با این واسطه هم باز حضرت زهرا علیها السلام مادر ما می شوند. خب این مادر مهربان سفارش ما را به خدا می کنند که یا رب شیعیان ما در روز قیامت چه می شوند؟ خداوند دستور می دهد برو در بهشت بگرد و هر کسی که دست به دامان تو شد، نجات بده. ادامه این حدیث که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با حضرت زهرا علیها السلام صحبت می کنند، حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند: من دوست ندارم بعد از شما زنده بمانم. حضرت به ایشان تسلی خاطر می دهند و می فرمایند که تو اولین کسی هستی که به من ملحق می شوی. بعد این جمله که **فَالْوَيْلُ كُلُّهُ** (تمام ویل برای کسی است که) **لِمَنْ ظَلَمَهُ وَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ لِمَنْ نَصَرَهُ** اینجا، جان کلام است. رستگاری بزرگ برای کسانی است که تو را یاری می کنند. می خواهیم اندیشه پیدا کنیم که حضرت زهرا علیها السلام را یاری کنیم. انگیزه ای بزرگ، چه انگیزه ای بالاتر از این **و الْفَوْزُ الْعَظِيمُ** بزرگ بهترین رستگاری در گرو یاری رسانی به حضرت زهرا علیها السلام است و ما اگر می خواهیم به آن فوز عظیم برسیم، رستگار واقعی شویم، باید به یاری حضرت زهرا علیها السلام بپردازیم. امام سجاد علیه السلام در مورد روز قیامت می فرمایند: زمانی که روز قیامت شد، منادی ندا می دهد به مردم که زهرا علیها السلام می خواهد از بین شما عبور کند و هرکس که با اوست، به سمت بهشت بروند. بعد خداوند ملکی را می فرستد به حضرت زهرا علیها السلام عرض می کند که ... **حَاجَتِكِ؟** حضرت زهرا علیها السلام اینگونه عرض می کنند به خداوند: **لِي حَاجَتِي أَنْ تَغْفِرَ وَ لِمَنْ نَصَرَ وَ لَدِي** خدایا حاجت من این است که مرا بیماری و هرکس که بچه های مرا یاری کرده است.

ببینید حضرت زهرا علیها السلام حتی کسانی که امام زمان علیه السلام را یاری کردند، در روز قیامت شفاعت خواهند کرد. بنابراین ما باید در مسیر یاری ایشان باشیم تا از شفاعت حضرت زهرا علیها السلام در روز قیامت، در روزی که همه حتی پیامبران محتاج هستند و همه نگرانند، برخوردار شویم. **آخرین حدیثی** که در همین رابطه در مورد ضرورت کار در ایام فاطمیه است، از امام باقر علیه السلام می باشد که به جابر می فرمایند (وسط حدیث را نقل می کنم): در روز قیامت حضرت زهرا علیها السلام شیعیان و محبین خود را انتخاب و برمی دارد. همانطور که یک پرنده دانه خوب را از دانه بد جدا می کند و دانه های خوب را برمی دارد و بعد به سمت بهشت می روند. **فَإِذَا صَارَ شَيْعَتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ**، آن شیعیانی که با حضرت زهرا علیها السلام در بهشت می روند، خداوند در قلب شیعیان می اندازد که به سمت عقب برگردند. وقتی که به سمت عقب بر می گردند، خداوند می فرماید که: ای دوستان من چرا به سمت عقب بر می گردید؟ من که شفاعت فاطمه علیها السلام را در حق شما اجرا کردم و به شفاعت ایشان شما را نجات دادم. برای چه به سمت عقب بر می گردید؟ آنها به خداوند عرض می کنند: خدایا ما می خواهیم قدر ما در این روز مشخص شود. خدا می فرماید: ای دوستان من برگردید پشت سر خود نگاه کنید. هرکس که شما را به خاطر حضرت

زهرائمه علیها السلام دوست داشته، **مَنْ أَحَبَّكُمْ لِحَبِّ فَاطِمَةَ**، یعنی این که این بچه هیبتی است و اهل هیبت است. در مراسم حضرت زهرائمه علیها السلام کار کرده، پس ما او را دوست داریم. به خاطر محبت حضرت زهرائمه علیها السلام **أَنْظُرُوا مَنْ أَعْطَمَكُمْ لِحَبِّ فَاطِمَةَ**، نگاه کن. کسی که شما را به عشق حضرت زهرائمه علیها السلام طعامی داده، مثلاً شما در ایام فاطمیه هیبت رفته آید. یک نفر بانی شده و به مردم غذا داده است. خداوند می فرماید او که به شما غذا داده را بگردید، پیدا کنید. **أَنْظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحَبِّ فَاطِمَةَ**، بگردید آن کسانی که یک لباس به عشق حضرت فاطمه علیها السلام به شما پوشانده، مثلاً کسی فقیر است. یک نفر بانی می شود به عشق حضرت زهرائمه علیها السلام می گوید: من شیعیان حضرت زهرائمه علیها السلام را لباس به تن می کنم. آن ها را از بی لباسی در می آورم. آنها را انتخاب کن. **أَنْظُرُوا مَنْ سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حَبِّ فَاطِمَةَ**، کسی یک لیوان آب به عشق حضرت زهرائمه علیها السلام به شما داده، او را پیدا کن. نگاه کنید کسی که به عشق حضرت زهرائمه علیها السلام غیبتی از شما را رد کرده، پیدا کنید. **فَخَذُوا بِيَدِهِ وَأَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ**. خیلی عجیب است. یعنی هرکاری که هرکسی می تواند برای دیگری بکند، به نام حضرت زهرائمه علیها السلام و تحت لوای حضرت زهرائمه علیها السلام، تمام این کارها باعث می شود که روز قیامت، افرادی که آن کارها را کردند، به شفاعت شیعیان خاص حضرت زهرائمه علیها السلام به سمت بهشت بروند. چه سعادتی از این بالاتر؟ می خواهیم انگیزه پیدا کنیم که در ایام فاطمیه کار کنیم. یک لیوان آب یا شربت دادن در ایام فاطمیه که کاری ندارد. یک چایی دادن در ایام فاطمیه، کافی است رفیق خود را غذایی مهمان کنیم. به خاطر حضرت زهرائمه علیها السلام و یا لباسی بدهم به فقیر یا مستحق، به عشق حضرت زهرائمه علیها السلام. این موارد کارهای خیلی کوچکی است اما همین کارها، موجب شفاعت ما در قیامت می شوند. دقیقاً حدیث می فرماید: **أَنْظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ** بگردید آنها را پیدا کنید **وَأَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ**، او را وارد بهشت کنید. می گردند ما را پیدا و وارد بهشت می کنند ان شاءالله. پس هر کاری که ما، به عشق حضرت زهرائمه علیها السلام بکنیم، کارهای کوچک کوچکی که شاید زیاد هم به نظر ما نرسد، حتماً باعث نجات ما خواهد شد.

- ۱- دل هر انسانی، از آن جنایاتی که بر سر حضرت زهرائمه علیها السلام آمده، به درد می آید و حتماً انگیزه پیدا می کند که کار و خدمتی به حضرت زهرائمه علیها السلام بکند.
- ۲- نجات ما در روز قیامت به شفاعت حضرت زهرائمه علیها السلام است. فلذا باید رابطه ای با حضرت زهرائمه علیها السلام پیدا کنیم که این رابطه ها را عرض کردیم.

چگونه و چه کارهایی می توان انجام داد؟!

انواع فعالیت ها در ایام فاطمیه به سه بخش تقسیم می شود:

فعالیت های خرد فعالیت های نیمه کلان فعالیت های کلان	}	انواع فعالیت
---	---	--------------

فعالیت های خرد:

منظور فعالیت های شخصی است که هرکسی می تواند آن ها را انجام دهد. چه کارهای کوچک و چه کارهای بزرگی که شخصی است و در توان همه هست. ساده ترین کار این است که در ایام فاطمیه یک لباس مشکی بیوشیم. یا این که پرچمی سیاه سر در منزل خود بزنیم یا مثلاً فرض کنید به ماشین خود، به آنتن ماشین یک روبان مشکی بزنیم یا در محل کار به کسانی که مسئول تبلیغات و روابط عمومی هستند، در خواست کنید که پرچم سیاه بزنند (اگر کارهای دولتی و جمعی است) و اگر کار خصوصی خودمان است، سر در مغازه، سر محل کار خود می توانیم یک پرچم مشکی بزنیم.

این نوع کارها ظاهراً خیلی آسان است ولی جو را، جو فاطمی می کند و مردم می فهمند که خبری شده است. شاید برخورد کرده باشید. لباس مشکی می پوشید، مردم تعجب می کنند و می گویند خدا رحمت کند. چه شده؟ و شما در اینجا بهترین فرصت را دارید تا توضیح دهید که مثلاً مادر ما از دنیا رفته و حضرت زهرائمه علیها السلام شهید شدند و بعد شروع می کنید به صحبت. یعنی خود این لباس مشکی پوشیدن

زمینه را برای صحبت کردن باز می کند. باید یکسری از کتاب هایی که در مورد حضرت زهرا علیها السلام هستند را مطالعه کنیم. خوشبختانه کتاب های خوبی در بازار وجود دارد و همچنین سایت هایی که مفصل در مورد حضرت زهرا علیها السلام و شبهات صحبت کردند که بی شک لازم است ما این شبهات را بدانیم و با فضائل حضرت زهرا علیها السلام آشنا شویم. مسئله بعدی شرکت در عزاداری ها و دسته ها و جلسات است. حتما باید برنامه ریزی کنیم در ایام فاطمیه، بخصوص فاطمیه اول و فاطمیه دوم؛ حالا اگر تمام این مدت را نمی توانیم، حداقل هفته اول در فاطمیه اول در جلسات شرکت کنیم. برنامه بگذاریم با خانواده و دوستان در جلسات شرکت کنیم که این خود، یاری کردن حضرت زهرا علیها السلام است.

مسئله بسیار مهم، انجام اعمال صالح است. یک نوع فاطمی شدن این است که اعمالمان را فاطمی کنیم. آن هایی که ما تا الان عرض کردیم، تظاهرات ما بوده ولی این که من یک حدیث از حضرت زهرا علیها السلام بخوانم، احادیث بسیار عالی هم هست. خدا رحمت کند **مرحوم آقای رحمانی همدانی** در این کتاب «**فاطمه الزهراء بهجة قلب المصطفى**» که ترجمه شده به «**فاطمه علیها السلام شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم**»، تعداد زیادی احادیث بسیار عالی از حضرت زهرا علیها السلام نقل کردند که هر کدام از این ها برای ما یک دنیا درس و الگوی عملی هستند. این می شود فاطمی شدن واقعی، یعنی من به حضرت زهرا علیها السلام عرض کنم: یا حضرت زهرا، چون شما این کار را دوست دارید، به خاطر شما این کار را می کنم. این گناه را چون شما بدتان می آید، به خاطر شما ترک می کنم. فلذا مقید باشیم اعمال صالحه را در این ایام انجام دهیم. یکی از کارهایی که در این رابطه خیلی خوب است و کمک می کند، این است که ما صفحه کامپیوتر و موبایلمان را عوض کنیم و احادیث حضرت زهرا علیها السلام را بذاریم تا هر روز ببینیم. مثلا در مورد تکاهل در نماز، کسانی که در نمازشان کوتاهی می کنند. در نماز سست می شوند که چندین عذاب در دنیا دارد و چندین عذاب در هنگام مرگ. احادیث مرتبط که مقابل چشم باشد، همین فضای فاطمیه ما را ایجاد می کند، هم این که مشوقی می شود برای عمل فاطمی. بعد همین اعمال را به حضرت زهرا علیها السلام هدیه می دهیم. برای مثال بنده به خاطر حضرت زهرا علیها السلام نماز را اول وقت می خوانم و بعد ثواب آن را هدیه بدهم به حضرت زهرا علیها السلام، این هم کار خوبی است. مطلب بعدی که می توانیم انجام دهیم، تفکر درباره اتفاقات رخ داده در فاطمیه و تحقیق درباره آن است. مثلا چرا یک خانم هجده ساله باید شهید شود؟ این یک سؤال است هر انسانی باید از خودش بپرسد. یعنی چه یک خانم هجده ساله از دنیا برود؟ چه اتفاقی افتاده؟ این ها همه باعث می شود که به نتایج خیلی خوبی برسیم.

از دیگر مسائل شخصی این است که قلب ما محزون باشد. یعنی در این ایام عزا زیاد نخندیم و شوخی نکنیم. تعمد داشته باشیم در این که به احترام حضرت زهرا علیها السلام شوخی هایمان را کمتر کنیم. عادت کنیم هر روز صبح که بلند شدیم، به حضرت امام زمان علیه السلام تسلیت و همچنین هنگام صحبت با آشنایان این مصیبت را تسلیت بگوییم. هر کس را دیدیم، بگوییم: تسلیت عرض می کنم. می گویند: برای چه؟ چه اتفاقی افتاده؟ و آن لحظه یک زمان مناسبی است برای توضیح و تذکر درباره شهادت حضرت زهرا علیها السلام. صدای موبایلمان را باید عوض کنیم. زنگ موبایل را زنگ مذهبی و اگر شرایط کارمان اجازه دهد، صوت های پیشواز، کسی که به ما زنگ می زند یک صدای مداحی به جای زنگ بشنود، خیلی کار خوبی است. بدون هیچ خرج و دردسری! این ها کارهایی است که سعادت شخصی همه ما است و ما می توانیم انجام دهیم و کسی نمی تواند بگوید من توان این کارها را ندارم. بنابراین تمام ما به واسطه این کارها می توانیم فاطمی شویم و این نقطه شروع است ولی تمام کار این ها نیست. تازه اول راه است.

فعالیت های نیمه کلان

- ۱) بعنوان مثال روزانه یک حدیث بر روی تخته کلاس راجع به شهادت یا فضائل حضرت زهرا علیها السلام نوشته شود و خیلی ساده و راحت. البته بهتر است خودمان بنویسیم. بدهیم دیگران انجام دهند که مشارکت داشته باشند. مشارکت خیلی مهم است. می توان به شخصی که این کار را انجام داد، تبریک بگوییم که تو سرباز حضرت زهرا علیها السلام شدی که فرد (کیف می کند) لذت می برد از این حرف و به خود می گوید: نه! من که آن کار خیر را کردم. قلب مقدس حضرت زهرا علیها السلام را شاد کردم. چرا با گناهان قلبشان را بلرزانم؟ این باعث می شود که افراد ساخته شوند. پس یک حدیث روی تخته می نویسیم.
- ۲) می توانید با استاد معارف یا استاد تعلیمات دینی که در مدرسه هستند، صحبت کنیم و از ایشان بخواهیم یک مقدار از وقت را به ما بدهند. می توانیم یک مقاله بخوانیم یا یک مقاله بنویسیم و به یکی از بچه ها بدهیم که به صورت دکلمه بخواند. (ان

- شاءالله منبع این مطالب که از کجا باشد را عرض خواهیم کرد.) یا مثلا کلیپی، پاورپوینتی آماده می کنیم، می دهیم به یک نفر که روی این پاورپوینت سخنرانی کند. بعد آن استاد، پرسش و پاسخ را انجام دهند، یعنی در واقع شما می خواهید کار را سبک کنید. استاد آن جا است و اگر پرسشی هم بود، می تواند به سؤالات پاسخ دهد. از قبل موضوع را به ایشان گفته باشید.
- ۳) کار دیگر. روزنامه دیواری است. هم در دانشگاه و هم در مدارس خوب است. یک روزنامه دیواری می تواند ده نفر را به کار بگیرد. می گوئیم تو شعر را پیدا کن. مثلا معرفی کتاب بیاور. تو چند عکس بیاور. تو یک مقاله بیاور. چیزهای مختلفی که می شود روزنامه دیواری درست کرد و این مسئولیت ها را به افراد مختلف داد. مثلا یک نفر خطاطی آن را انجام دهد. یک نفر مقوای آن را بخرد. همه باید شریک شوند تا این که همه از این فیض خدمتگزاری حضرت زهرا علیها السلام بهره گردند.
- ۴) کار دیگری که می توانیم انجام دهیم، این است که برویم از مسئولین، مثلا در دانشگاه، از امام جماعت مسجد خواهش کنیم: آقا این یک یا دو ماه، در میان دو نماز، شما در عرض سه یا چهار دقیقه درباره حضرت زهرا علیها السلام صحبت بفرمایید. وقتی این را دو یا سه نفر بگویند، انجام پذیر است و می شود.
- ۵) به دوستان و آشنایان پیشنهاد دهیم که فاطمیه اول مراسم می گذاشتید، فاطمیه دوم هم بگذارید. برنامه فاطمیه دوم چیست؟ سخنران داشتید، مداح نداشتید. حالا مداح هم بگذارید. مرتب به آنها پیشنهاد بدهید که این کار غنی تر و پخته تر و پر بارتر شود. کار دیگری که می شود کرد، این است که سی دی هایی که تئاتر فاطمیه است، به افراد هدیه دهیم یا سی دی را بگیریم و در مجالس بگذاریم. خودم نمی توانم تئاتر اجرا کنم، نمی توانم سخنرانی کنم ولی می توانم سی دی بخرم. اینها کارهای نیمه کلان است. چند تا از دوستان را در یک کلاس جمع می کنیم یا مثلا در یک آمفی تئاتر، افراد این سی دی را می بینند و بسیار هم تأثیرگذار است.
- ۶) کار دیگری که می شود انجام داد، سیاه پوش کردن دانشگاه و خوابگاه است. با ۴ - ۵ نفر از دانشجویها، چند تا بانی پیدا و پارچه مشکی تهیه کنید و تا آنجا که می توانید، دانشگاه و خوابگاه را سیاه پوش کنید.
- ۷) کار دیگری که الان مد شده، تلگرام و فضای مجازی است تا کلیپ های فاطمی را ارسال کنیم. خود این کلیپ ها و تلگرام ها محملی برای بحث است. برای مثال به دوستم می گوئیم: پسر جان! یا خانم می گوید خواهر جان! بیا کلیپ را با هم بینیم. و یک کلیپ را دو دقیقه نشان می دهیم و چند دقیقه راجع به آن صحبت و بحث می کنیم. بنابراین هم خود کلیپ آموزنده است و هم این کلیپ ها محملی هستند برای صحبت کردن راجع به حضرت زهرا علیها السلام.
- ۸) ایستگاه های صلواتی بسیار خوب هستند و یک ایستگاه صلواتی می تواند پنج یا شش نفر را بکار بگیرد. از برپا کردن تا پذیرایی، بعد شما سی دی می گذارید و به وسیله بلندگو، مداحی هایی در مورد حضرت زهرا علیها السلام پخش می شود. مثلا در دانشکده؛ این صدا در محیط حیاط دانشکده پخش شود، طوری که مزاحم کلاس ها نباشد. همینطور سی دی در حال پخش است و افراد چایی می خورند و می روند و این حداقل کاری است که در ایستگاه های صلواتی می توان انجام داد و البته از آن بالاتر هم می شود فعالیت کرد که بعدا عرض می کنم.
- ۹) می توانیم دوستانمان را برای شرکت در مجالس دعوت کنیم. مثلا فلان مجلس در فلان محل برگزار می شود و من با دوستم تماس می گیرم و می گوئیم: عزیزم بیا برویم با هم فلان جا، مجلس است. بدون پرداخت هزینه ای خاص از او فقط دعوت کردم و او را به مجلس بردم و در تمام گریه هایی که او می کند و مطالبی که یاد می گیرد و در تمام کارهایی که بعدا او خواهد کرد، سهمیم خواهد بود. فقط با یک تلفن. کار خیلی آسانی است اما نتیجه بسیار بزرگی خواهد داشت.
- ۱۰) کار دیگری که می توانیم انجام دهیم، تهیه کتاب است. کتاب را تهیه کنیم و به افراد هدیه بدهیم. کتاب های کوچک، حتی بروشور هم می شود تهیه کرد که در این ایام خیلی چیزها منتشر می شود. اگر بتوانیم تعداد زیادی بخریم، خوب است و اگر

جایی ۱۰۰ عدد بروشور هست، همه را برداریم. چون پخش کردن بروشور کاری ندارد و به افراد بدهیم و بگوییم مطالعه کند و هیچ کار سختی هم نیست و حتی از همان بروشور می شود ۴ تا سؤال هم درآورد و از دوستانمان خواهش کنیم که سؤالها را جواب دهند و بعدا از آنها تقدیر و تشکر کنیم، هدیه ای تقدیم می کنیم. این ها کارهایی است که خیلی آسان و خیلی نتیجه بخش است.

(۱۱) از دیگر کارهایی که می توانیم انجام دهیم، غذای نذری و اصولا نذری دادن کار خیلی خوبی تست و افراد را به سمت تبلیغات شما می کشاند. حال یک ایستگاه صلواتی بر پا شده و چایی می دهند. شما هم یک روز آن را شیرینی بدهید، یک روز به دوستان بگویید، یک جعبه شیرینی چقدر می شود؟ ۱۰ - ۱۲ تومان ولی مشارکت کردید. اول خودتان شروع کنید و بعد به دیگران هم توصیه کنید.

(۱۲) کار خیلی آسان تر این که شما در یک کلاس برنامه بگذارید. یک نفر مقاله ای را می خواند، شعر و دکلمه و حتی موارد مختلف دیگر. می توان در حد ۵ - ۶ دقیقه وقت گذاشت و یک نفر هم خرما پخش کند. این موارد چیزهایی است که بنام حضرت زهرا علیها السلام متبرک است. قطعا در روحیه افراد تأثیر می گذارد و باعث ارتقای معنوی آنها خواهد شد.

فعالیت های کلان

(۱) به فعالیت های کلان می رسیم. این ها برنامه هایی است که خیلی مهم هستند و ما تا جایی که می توانیم باید آنها را انجام دهیم که نظر بنده این است که اکثریت مخاطبین بنده می توانند این کار را انجام دهند و بنابراین چیزهایی که در گذشته عرض کردیم، برای کسانی است که تازه می خواهند به راه بیافتند ولی از مخاطبین ما این توقع می رود که این کارها را حتما انجام بدهند و حتما می توانند. مثلا در دانشگاه می خواهیم مراسمی بگیریم. اول باید سعی کنیم که همه گروه های مذهبی را درگیر کار کنیم. یعنی حول محور حضرت زهرا علیها السلام همه را متحد کنیم، درگیر کنیم. چون خود حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «الإمامة الأمان» خداوند امامت ما را امان از افتراق و جدایی قرار داده، بنابراین باید حول محور اهل بیت علیهم السلام متحد شویم. حال یک گروه تندروست و یک گروه کندرو، یک گروه چپی یک گروه راستی، همه آنها را حضرت زهرا علیها السلام قبول دارند. بنابراین باید همه استفاده کنیم و مختص یک گروه نکنیم. تا فاطمیه وقت زیادی مانده، در طی ۲ - ۳ هفته آینده همایشی گذاشته شود، همه مسئولین این گروه ها را جمع کنیم و برنامه ریزی خوب داشته باشیم و از همه دعوت کنیم. حتی اهل تسنن را هم باید در کار بیاوریم. چون الان بحث بنده، بحث دانشگاه است. دانشگاه محیط دیگری است و باید حتما منادی وحدت باشیم. برنامه های فاطمیه ما نباید وحدت شکن باشد. چون اولین اشکال این است که خود مسئولین جلوی آن را می گیرند و ما هم به این معتقدیم که باید وحدت خیز باشد و این تاکتیکی نیست که بخواهیم ادایی در بیاوریم و به وحدت مسلمانان معتقد هستیم. وقتی اینگونه باشد، از هرگونه لعن علنی (وقتی که اهل تسنن هستند) باید دوری کنیم. لعن که اصلا نباید کرد، برنامه طوری باشد که اهل تسنن هم بیایند. ما با اتکا به مطالب خود اهل تسنن واقعیت را در یک قالب بسیار مؤدبانه مطرح کنیم و این باعث هدایت آن ها می شود. این که ما بخواهیم از اول بر اساس لعن جلو برویم، هم جلوی کارمان گرفته می شود و هم این که مسئول آن دانشگاه یا محل خودش خیلی به این مسئله حساس نباشد. بعدا این کار ادامه پیدا نمی کند. به خاطر برخوردهایی که بعدا به آن می شود. بنابراین خواهش ما این است که به خصوص در دانشگاه به این مسئله توجه شود و حتما هم افراد و کسانی که در گروه ها هم نیستند ولی یک نفر هست، حتی ممکن است خانمی حجاب خیلی درستی ندارد اما علاقمند به حضرت زهرا علیها السلام باشد و خط قشنگی دارد. بگوییم خانم از خط شما استفاده می کنیم. یک نفر نقاش است، از نقاشی او استفاده کنیم و خلاصه سعی کنیم همه را درگیر اینکارها کنیم. تقسیم کار کنیم، چون کار، کار بزرگی است و آن قدر کارها متنوع است که قطعا یک گروه به همه کارها نمی رسد. حتما باید گروه های مختلف بیایند و در کارها مشارکت کنند. حالا برنامه ها به چه صورت خواهد بود. انواع همایش را خواهیم داشت. همایش های مجالس سنتی برگزار کنیم. مثلا در آمفی تئاتر دانشگاه، مجلس سنتی برگزار می کنیم، به این ترتیب که قرآن، ترجمه، سخنرانی، مداحی و روضه خوانی و تمام می شود که

یک کار عادی است که از ما معونه ای نمی برد. فقط باید مجلس را هماهنگ کنیم و این مجلس سنتی مورد خوبی است که در ابتدا در بسیاری از مکان ها می توان آن را عملی کرد.

(۲) یک سخنرانی یک ساعته را آماده و تقسیم می کنیم به چهار موضوع مفصل و هر موضوع را می دهیم به دانشجویی که از قبل تواناییش را تست کردیم و می دانیم خوب می تواند اجرا کند. این سخنرانی یک ساعته را در چهار تا یک ربع می شود انجام داد و اصل این کارها، مشارکت هرچه بیشتر دانشجویها و خود مخاطبین است. ممکن است در محل یا مدرسه این کار انجام شود. هرچه مخاطبین خودشان درگیر شوند، تأثیر آن روی خودشان و هم دیگران بهتر است. وقتی یک دانشجو سخنرانی کند، بقیه دانشجویان به حرف دوستانش خوب گوش می دهند ولی اگر یک سخنران یا یک روحانی سخنرانی کند، ممکن است آن حساسیت را نداشته باشند و خیلی از مطالب را گوش ندهند.

(۳) نوع سوم همایش به صورت پرسش و پاسخ است. در ابتدا که البته به این شرط که یک سخنران باسواد و دانشمند دعوت بفرمایید تا بتواند از پرسش ها و سؤالات برپایید و الا ممکن است چهار تا سؤال از آن ها بکنند و کار را خراب کنند. در ابتدا که افراد وارد می شوند، کاغذ و قلم به آن ها بدهیم که سؤالاتشان را بنویسند و سپس بپرسند و یک مجری با سخنران شروع به صحبت کند و یکی یکی به سؤالات پاسخ بدهند و می توانند از مخاطبین و مردم هم نظرسنجی بکنند و افراد در جواب مشارکت کنند و این باعث می شود که مطالب خیلی بهتر در ذهنشان بشیند و فکر می کنند و خودشان هم فکرشان را حرکت می دهند و به تحرک درمی آورند و آن دانسته هایی را که دارند، سر هم می کنند تا به نتیجه برسند. وقتی به نتیجه نرسیدند، سخنران حرف اصلی را بزند، خیلی خوب در ذهنشان می ماند.

(۴) نحوه چهارم همایش به صورت تئاتر است. یعنی شما یک گروه تئاتر درست می کنید. تمام حرف ها و اعتقاداتتان را از طریق تئاتر به افراد می رسانید. آیات، احادیث. همه را در قالب تئاتر می توان گفت که این هم روش بسیار خوبی است. بخصوص که اهل هنر هستند یا مثلا در دانشکده هنر می شود این روش را انتخاب کرد. روش بسیار مؤثری هم است. یک کار دیگر هست که برنامه های کلان است که معونه دردرس و زحمت و هماهنگی و... دارد. کار دیگری که می شود انجام داد، نمایشگاه کتاب است که نمایشگاه کتاب مرسوم نه، نمایشگاه کتاب خاص برگزار کنیم. مثلا هشت یا ده کتاب خوب در مورد حضرت زهرا علیها السلام انتخاب می کنیم. ده میز در یک محوطه عالی می گذاریم. هر میز ۴ - ۵ صندلی، افراد می آیند وارد میز اول می شوند. یک نفر کتاب خاص؛ مثلا کتاب آقای رحمانیان که عرض کردم، سه یا چهار دقیقه راجع به کلیت کتاب می گوید. بعد یک مطلب را از کتاب بطور کامل بیان می کند، یک صفحه. اگر بتواند و قدرت سخنرانی داشته باشد، آن یک صفحه را بیان می کند. اگر قدرت سخنرانی نداشته باشد، از روی کتاب می خواند. بعد می روند میز دوم، سوم، چهارم، به همین ترتیب ده مطلب خوب یاد گرفتند و با ده عنوان کتاب هم آشنا شدند و در آخر آن کتاب ها عرضه می شود و آنها خریداری می کنند و چون مطالب پیچیده نیست، مشتاق می شوند که بخوانند. این هم کار خیلی خوبی است که تأثیر مثبتی دارد.

(۵) کار دیگری که می توانیم انجام دهیم، کنفرانس کلاسی هست. هم در مدرسه و هم در دانشگاه، متن سخنرانی را به دوستی می دهیم، آماده می شوند. برای خودمان اجرا می کنند، اشکالات را به آن ها می گوئیم. بعد در کلاس کنفرانس می دهند. برای ۲۰ - ۳۰ تا ۵۰ دانشجو یا دانش آموز که سر کلاس هستند. این کار خیلی خوبی است. توانایی افراد بالا می رود، جرات و قدرتشان زیاد می شود و باعث می شود که این فرد به عنوان یک فرد مذهبی شناخته شود. همین که این فرد، یک فرد مذهبی باشد، جو غلبه پیدا می کند به سمت مذهبی ها و جلوی خیلی از گناهان گرفته می شود. یعنی یک خانم یا یک آقای که ریش تراشیده بوده، حجاب درست و حسابی نداشته، از دور که نگاهش می کردند، می گفتند این که از خودمان است. بگذار هر کاری می خواهیم، انجام دهیم ولی حالا که این فرد می آید و ظاهر عالی هم قبلا نداشته، الان که بحث مذهبی می کند، معلوم است که نه، خیلی از این افراد مذهبی هستند و این سبب می شود که هر حرفی در مقابل آن ها زده نشود و هر کاری را نمی شود انجام داد. این از نتایج فردی این کار است.

(۶) یکی از کارهای خیلی خوب، فعالیت های خوابگاهی است. یعنی یک محل خیلی خوب، خوابگاه های دانشجویی است که انواع این کارها را می شود در خوابگاه ها انجام داد. یعنی می شود در نمازخانه خوابگاه مجلس سنتی گذاشت. یک سخنران دعوت کرد، برای دانشجویان صحبت کنند. می شود نمایشگاه کتاب گذاشت. همه این کارها انجام شده و تجربه خیلی خوبی هم در

آن است. یا کار دیگر فعالیت اتاق به اتاق است. اتاقی که ۴ - ۵ نفر در آن هستند، می رویم یک مطلبی را به آن ۴ - ۵ نفر می گوئیم. بعضی وقت ها بحث های خوبی هم درگیر می شود. طرف سؤال دارد و می پرسد و جواب گفته می شود. کار خیلی خوبی است.

۷) کار دیگری که می توانیم انجام دهیم، نمایشگاه و غرفه ای است که خیلی از دوستان با این کار آشنا هستند و تجربه زیادی دارند. چهار یا پنج غرفه، مثلا اگر مدرسه یا دانشگاه باشد، ۴ کلاس را می توانیم، انتخاب کنیم. اگر در محیط های بیرون باشد، می توانیم با «پاراوان» فضا سازی کنیم. ۴ عدد غرفه درست کنیم. یک بحث را مثل همان سخنرانی، یک بحث را چهار قسمت می کنیم: غرفه اول، قسمت اول. غرفه دوم، قسمت دوم. به همین ترتیب افراد به تدریج این بحث را می فهمند. فایده این کار چیست؟ اولاً که بین غرفه ها استراحت می کنند، خسته نمی شوند. ثانیاً تعداد کم است. چون تعداد کم است، تأثیرگذاری بیشتر می شود و تنوع در سخنران سبب رفع خستگی می شود.

۸) کار دیگری که از برنامه های کلان به حساب می آید، این است که هر گروهی، فرض کنید دانشجویان جدید دانشکده یا کلاس سوم نظری، یک سایت بزنند، یک وبلاگ تأسیس کنند یا کانال تأسیس کنند، با چند ادمین و مطالب بسیار مفید را در دسترس دیگران قرار دهند. وقت گذاری و مطالعه زیاد می خواهد و باید یک مقداری وقت بیشتری افراد بگذارند.

مجلس سنتی، در خانه ها بصورت مجالس خانگی می تواند انجام شود. در مساجد، در آمفی تئاتر دانشگاه و در مدارس هم می تواند انجام شود. عرض کردم؛ برنامه هایی که در یک مجلس سنتی می توان اجرا کرد، می تواند به این گونه باشد: در ابتدا قرآن تلاوت شود. متأسفانه در خیلی جاها به قرآن توجه نمی شود و این خیلی بد است. باید رسم کنیم که حتما قرآن و ترجمه آن خوانده شود که ما توسل ثقلین داشته باشیم. فقط به اهل بیت علیهم السلام توجه کنیم و قرآن را رها کنیم، برانزده یک شیعه نیست. بنابراین در مجلس مان از یک قاری خوب دعوت کنیم که قرآن را با صوت و لحن خوب بخواند و افراد را به سمت قرآن جذب کند. قسمت دوم پذیرایی است که بنا بر سلیقه افراد متفاوت می باشد. سایتی هست به نام سایت مناسبت ها که این مطالب آماده را در اختیارتان قرار می دهد. مثلا راجع به فاطمیه چه آیاتی خوانده شود یا در نیمه شعبان چه آیاتی خوانده شود. متن سخنرانی و دکلمه این ها را از سایت مناسبت ها که شاید دوستان آشنا باشند، می توانید در بیابید. در ایام فاطمیه سخنرانی صورت خواهد گرفت. همان روش سخنرانی سنتی، حالا یک سخنران روحانی یا یک فرد غیر روحانی می آیند، مثلا حدود سه ربع صحبت می کنند. حتما از سه ربع بیشتر نباشد چون تأثیر گذاری اش کم خواهد شد. معمولا یک ربع تا نیم ساعت اصل مطلب را می شود گفت و انتهای سخنرانی هم حتما باید از سخنران خواهش کنیم که ذکر مصیبت داشته باشند. بعضی از سخنران ها به عهده مداح می گذارند؛ در صورتی که این کار خوبی نیست. حتما سخنران باید مداحی کند و مجلس را آماده کنند و بعد تحویل مداح دهند. بعد مداح می آید روضه خوانی می کند. حتما سینه زنی باشد. بعد حتما باید دعا باشد؛ بخصوص دعای برای فرج. حتما باید به سخنران و به مداح تذکر دهیم که دعا برای فرج انجام دهند. حال سؤال اینجاست که چگونه به مردم خبر دهیم؟ این موضوع خیلی مهم است. یک مجلس سنگین با کلی خرج داریم ولی مهمانان کمی به آن مجلس می آیند که این اشکال از دعوت ماست که حتما باید از قبل اطلاع رسانی کامل داشته باشیم. به انواع مختلف تبلیغات در اینستاگرام، کانال تلگرام و پیامک، همه این کارها را از قبل باید حتما تدارک بکنیم که به مردم اطلاع رسانی کافی شود. یعنی مطمئن شوند. مثلا از چند دوست بپرسیم که خبردار شدی یا نشدی؟ پیامک به شما رسید؟ تلگرام ما را دریافت کردید؟ اگر دوست ما دریافت نکرده، بدانید که سایر افراد هم دریافت نکردند و بعضی وقت ها شده که مجالس خوبی گرفته شده ولی متأسفانه مدعوین کم بودند. پس باید خیلی در موضوع دعوت دقت داشت و وقت گذاشت. مجلس مان حتما باید هم غنی از معارف باشد، هم غنی از احساسات و عواطف. هر کدام ناقص باشد، اشکال دارد و باید دقت کنیم و به سخنران بگوئیم که آقا بحث درست و حسابی مطرح کن. اینجا برای مثال دانشجویان یا افراد تحصیل کرده و باسواد داریم. موضوع به آنها بدهیم و از آنها بخواهیم پرمحتوا به میدان بیایند و حتی کار دیگری که می شود انجام داد، این است که خلاصه صحبت های ایشان را از آنها بگیریم و از خلاصه سخنرانی یک بروشور بدهیم. این کار سبب می شود که سخنران محترم مطالعه بیشتری بکنند و به عنوان خلاصه فرمایشات متنی به شما بدهند. از همه نیروها استفاده کنید، چه در دانشگاه، چه در مدرسه و چه در محله. وقتی که مجلس می گیریم، همه را درگیر کنیم. وقتی همسایه بغلی می آید، به خاطر حتی یک نوشابه دادن، بگوئیم آقا سرو نوشابه با شما. همین که مسئولیت به گردنش بیافتد، خانواده اش را هم می آورد. چهار تا فامیل دورتر هم می گوید فلان موقع مجلس است، بیایید. یعنی استفاده حداکثری از نیروهای اطراف. نکته مهم این که در مجالس حتما نظرسنجی داشته باشیم. بخصوص در دانشگاه فرم

نظرسنجی به افراد بدهیم و نظراتشان را بخواهیم و از آن‌ها بخواهیم اگر مایل هستید، اسم، تلفن، و موبایل خود را در پایین نظرسنجی ثبت و به ما بدهید که در مراسم بعدی از شما دعوت کنیم و این باعث می‌شود که با تعداد زیادی از مخاطبین ارتباط پیدا کنیم. یعنی اول یک مجلس می‌گیریم، چند مخاطب پیدا می‌کند. دفعه بعد دوباره همان افراد را با یک پیامک یا در گروه تلگرام دعوت می‌کنیم.

در مورد نمایشگاه کتاب عرض کردم که چگونه باشد ولی نکته‌ای که حتما باید در کنار نمایشگاه کتاب باشد، یک میز پرسش و پاسخ است. یک میز، یک کتاب، یک راوی و سخنران که وقتی کتاب را معرفی می‌کنند، حتما برای افراد سؤالاتی پیش می‌آید. آن فرد فقط یک مطلب را آماده کرده که اگر سؤالی پیش آمد، ارجاع می‌دهند به استادی که در انتها نشسته است و سؤالات را پاسخ داده و درگیر نمی‌شوند و سؤالاتی هم نمی‌ماند که تشنجی در مجلس پیش بیاید. کار خوب دیگری که در این قسمت می‌توان انجام داد، این است که خلاصه کتاب‌هایی که معرفی کردیم را به صورت بروشور به افراد بدهیم. یعنی خلاصه کتاب و یک کتاب که وقتی رفتند، چیزی در دست داشته باشند. باز هم عرض کردم، از چند قسمت می‌توان به افراد سؤال بدهیم و بگوییم که جواب شما در همین کتاب موجود است. هفته آینده که مجدداً با شما تماس خواهند گرفت، ارتباطی دو طرفه بوجود می‌آید که می‌توانید این ارتباط را طولانی‌تر کنید و در مراسم بعدی نیز از آنان استفاده نمایید.

نمایشگاه غرفه ای

نمایشگاه غرفه ای را خیلی از دوستان کار کرده‌اند. معمولاً سه یا چهار غرفه با سه، چهار موضوع می‌گذاریم. می‌تواند به صورت تابلو‌هایی روی دیوار باشد یا به صورت استندهایی باشد که روی زمین ایستاده است و ما احادیث یا تابلوهایی را نشان داده و روی آن تابلوها توضیحات می‌دهیم. ممکن است عکس، نقاشی، یا حدیث باشد. حتی در برخی موارد می‌توان از آثار حجمی استفاده کرد. برای مثال در رابطه با فاطمیه، درب خانه حضرت زهرا علیها السلام را نشان دهیم. افراد دم این در بیایند یا مثلاً وارد خانه می‌شویم و همان‌جا صحبت می‌کنیم. کارهای دیگری که می‌شود انجام داد، در ابتدا تا افراد جمع شوند، صحبت اولیه داشته باشیم. پذیرایی می‌شوند. بعد وارد غرفه‌ها شوند و اگر یک غرفه کودک هم در کنار این‌ها داشته باشیم، باعث می‌شود که افراد کودکانشان را به آن‌جا بسپارند و نگران بچه‌ها نباشند تا بتوانند حداکثر استفاده را بکنند. حتماً فرم نظرسنجی به آن‌ها بدهید و در انتها نیز استادی باید باشد که به سؤالات جواب دهد. در غرفه‌ها نمی‌توان به سؤالات جواب داد. هم ممکن است مجری غرفه آن‌ها را نداشته باشد، هم چون برنامه مفصل است، چند نفر اول وارد غرفه می‌شوند؛ بعد به غرفه دوم. وقتی غرفه دوم تمام شد، باید حتماً به غرفه سوم بروند و فرصتی برای پرسش و پاسخ نیست و لازم است پرسش و پاسخ در انتها صورت بگیرد. در این قسمت هم می‌شود بسته فرهنگی داد و با آن فرم نظرسنجی ارتباط خود را با مخاطب حفظ می‌کنیم.

کارهای کلان اینطور نیست که برای افراد بزرگ باشد. عرض کردم تمام شما مخاطبین عزیز، هر کدام تان می‌توانید، انجام دهید و من خواهش می‌کنم استانداری را از امروز برای خود قرار دهید که هر کدام از ما حتماً یک مجلس باید برپا کنیم؛ با یک پیراهن مشکی پوشیدن و دو تا چای دادن و... کار حضرت زهرا علیها السلام راه نمی‌افتد، حضرت زهرا علیها السلام خیلی بیشتر از ما توقع دارند و سرمایه‌گذاری‌هایی روی ما شده و گذشتگان که روی ما کار کرده‌اند، باید هر کدام مان حتماً یک مجلس، بلکه ده‌ها مجلس برپا کنیم که افرادی که مخاطب بنده هستند، می‌توانند این کار را انجام دهند. فقط باید همت مان را بلند کنیم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«عَلَى قَدْرِ النَّبِيِّ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ»

یعنی هر کس نیت کند، خدا لطفش را شامل حالش می‌کند. نیت می‌کنید یک مجلس هزار نفری بگیرید، خدا می‌رساند. اربعین بهترین مثال است. یک نفر یک موبک بر پا می‌کند، روزی هزارتا، ده هزارتا غذا می‌دهد. هزینه‌ای غذاها از کجا می‌آید؟ رفت و انجام داد و شد! این کارها فقط همت می‌خواهد و توکل به خداوند و توسل به خود حضرت زهرا علیها السلام که خانم جان! ما می‌خواهیم برای شما کاری انجام دهیم. شما به ما کمک کنید.

نتیجه عرایض بنده این باشد که هر کدام چه فاطمیه اول، چه فاطمیه دوم، حداقل یک مجلس پنج روزه برپا کنیم. با تمام حواشی و سخنران، مداح یا آن شکل‌های دیگر که عرض کردم. وقتی مجریان را جمع می‌کنیم، باید برای خود مجریان هم برنامه داشته باشیم.

ضرورت کار را برای ایشان توضیح دهیم و در تمام طول کار آنان را تغذیه معنوی کنیم. کسی که مسئول این کار است، باید روزانه افراد را تغذیه معنوی کند و گرنه در وسط کار سرد می شوند. ممکن است سختی های کار، آنها را مقداری نگران کند و بعضی ها دیگر نیابند. هر روز باید زمانی را به حضرت زهرا علیها السلام متوسل شویم و از ایشان مدد بخواهیم. با کارهایی مانند قرآن خواندن، دعا، توسل و... مجری ها گرم باقی بمانند. حتما کارها مجوز می خواهد که تهیه کنیم. مثلا در جشن های مدرسه، دانشگاه، بدون مجوز کار نکنیم. حتما گروه باید یک شریک داشته باشد که متعهد باشند از او تبعیت کنند. نظرات شخصی را فدای گروه کنند. کارهایی که به ما توصیه می شود، به موقع انجام دهیم و تقیدهایی داشته باشیم. مثلا نماز اول وقت به تأخیر می افتد. این امر خوب نیست. حتما مقید به خواندن نماز در اول وقت باشیم. قرار معنوی با هم داشته باشیم. برای مثال هر روز زیارت حضرت زهرا علیها السلام را بخوانیم یا مثلا فلان کار را بکنیم و هدیه بدهیم به حضرت زهرا علیها السلام. این نوع اعمال برای تغذیه معنوی افراد خیلی خوب است. مسئولیت های مدیر را باید تقسیم کنند. مسئولیت ها همه مشخص باشند. اگر خدای ناکرده در وسط کار تعطیلی پیش آمد، مدیر باید در مورد این موارد فکر کرده و مدیریت نماید که ما کارمان را کردیم، وظیفه مان را انجام دادیم، حالا به نتیجه نرسید، اشکالی ندارد. ضوابط شرعی حتما باید رعایت شود. اکثر اوقات در رفتار و شوخی ها، متأسفانه ممکن است ضوابط رعایت نشود. باید مقید باشیم فاطمی بودن در عمل را انجام دهیم. عرض کردم تقیه حتما باید انجام شود. نباید وحدت شکن باشیم. حتما در ایام فاطمیه تا آن جا که می توانیم رعایت مسائل تقیه را کنیم.

در رابطه با ایستگاه صلواتی، حداقل کار این است که ایستگاهی بر پا کنیم، شربت یا چای و شیرینی و... بدهیم ولی کار بهتر این است که یک راوی یا سخنران هم سخنرانی های دو، سه دقیقه ای در حدی که هم یک نفر می خواهد چای و شیرینی بخورد، در حد سه، چهار دقیقه یک پیام یا یک حدیث از حضرت زهرا علیها السلام را آماده کنیم و به افراد بگوییم. این امر، کار را غنی تر می کند و بُرد کار را خیلی بیشتر خواهد کرد. در همین جا می توانیم بروشورهایی هم به مخاطبین بدهیم. یک چای و شیرینی به مخاطب بدهیم. یک بروشور هم همراه آن بدهیم یا سی دی های مداحی یا سخنرانی به تعداد زیاد تهیه کنیم. در خیابان وقتی که به یک ماشین، شیرینی تعارف می کنیم، یک سی دی هم به آنان هدیه کنیم. راه خیلی خوبی است که می شود از آن استفاده کرد. بسته های فرهنگی متنوع، از کتاب، سی دی، بدهیم و کارت دعوت هم برای مواردی که مجلس جدی داریم. کارت دعوت در رابطه با همسایه ها خیلی خوب جواب می دهد. در دانشگاه ها می توانیم کارت دعوت به افراد دهیم که تعهد بیشتری برای آمدن پیدا کنند.

سخن آخر

همگی ما نسبت به حضرت زهرا علیها السلام مؤظف هستیم. هر چند حضرت زهرا علیها السلام به نصرت ما احتیاجی ندارند. خودمان به این خدمتگزاری احتیاج داریم و قرارمان این باشد که مجلسی راجع به حضرت زهرا علیها السلام تشکیل دهیم. اگر مجلسی تشکیل دادیم و سخنران یا مداحی نداشتیم، از طریق همین گروه ان شاءالله تماس گرفته شود. دوستانی هستند که برای بر پا کردن این مجالس آماده هستند. به صورت سخنرانی یا مداحی آن را پشتیبانی کنند.

دوست عزیزی سؤال کردند که در محله های مختلف، چون توانایی ها مختلف است، چگونه و به چه صورت می شود مراسم را اجرا کنیم؟ اولاً، راجع به این که چگونه تشویقشان کنیم، انگیزه های مختلفی وجود دارد که چند نمونه آن را اول عرض کردم. انگیزه انسانی یا انگیزه های مذهبی بر حسب مخاطب که اگر افراد به شدت مذهبی باشند، این مسائل و تأثیرات مثبتی که برای دنیا و آخرت ما خواهد داشت را ارائه می کنیم. اگر خیلی مذهبی نباشند، از جنبه های انسانی می توانید وارد شوید و آن ها را برگردانیم به این که باید برای فاطمیه کاری بکنند. وقتی در محلی می خواهیم کاری انجام دهیم، باید بر حسب نیروها برنامه ریزی کنیم. برنامه های متعددی که عرض کردم، این امکان را به ما می دهد که برای هر نیرویی، یک برنامه کاری خاص و مناسب وی تعریف کنیم. مثلا یک نفر طلبه است. در کنار او یک آدم خیلی معمولی است، بی سواد است. شاید خیلی جنبه های ظاهری را هم رعایت نکند. او هم هست و می خواهد کاری کند. خیلی راحت از آن طلبه می خواهیم که مثلا سخنرانی کند. و به آن کسی که توان زیادی ندارد، از او خواهش کنید که برای مثال پذیرایی کند یا در سینه زنی کمک کند. این افراد معمولاً به سینه زنی خیلی علاقه مند هستند. تشویقشان کنید که آقا دسته سینه زنی ات را راه بنداز، هدایت کن. به هر حال بر حسب مورد باید تصمیم گرفت. این انتخاب های متعدد اگر جلوی چشم مان باشد، برای هر فرد می شود نسخه خاص خودش را بپیچیم تا بتوانیم از همه نیروها استفاده کنیم. یکی از اصول این است که از همه نیروها استفاده کنیم. یکی

از ایرادات مجالس سخنرانی سنتی این است که نیروها کم درگیر کار می شوند ولی در آن شکل دیگری که عرض کردیم، نیروهای زیادی درگیر می شوند. حتی در مجالس سنتی بعنوان مثال در بحث پذیرایی، می توانیم یکسری افراد را برای پذیرایی قرار دهیم که غذا می خواهیم بدهیم، به این شکل بدهید. از این جا و آن جا شروع کنیم، پذیرایی هست، دستگاه هست، بلندگو درست کردن هست. فلذا افرادی که توانایی علمی ندارند، این کارها را به آنها بسپارید. کسانی که توانایی علمی دارند، برای مجری گری می توان از آنها استفاده کرد. به صورت سخنران موقت و اصلی و غیره می توانند اجرا کنند. خلاصه مناسبت ها، برنامه هایی است که همه به کار گرفته می شوند و تجربه ای است که همه می توانند در آن شرکت کنند و عشق به اهل بیت علیهم السلام در وجود افراد همه را به سوی کار می کشد و تقریباً با مشکلی برخورد نخواهیم کرد ان شاءالله

**نسئلك اللهم و ندعوك، باسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم، الهی بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و
الحسین و تسعه المعصومین من ذریه الحسنین، استجب دعواتنا یا الله
اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره و صل الله علی محمد و آله**